

بررسی تأثیر دیپلماسی عمومی ایران در رابطه با ترکیه؛ قبل و بعد از کودتای نافرجام

وحید سلوکی^۱

چکیده

در عصر کنونی، کشورها برای پیشبرد هرچه بهتر منافع ملی خود نیازمند تعریف سیاست‌های نو و استفاده از روش‌های جدیدی هستند که متناسب با شرایط کنونی جهان است. سالهاست که ایران و ترکیه، به دلیل موقعیت‌های استراتژیک، اشتراکات و پیوندهای تاریخی- فرهنگی، منابع طبیعی، ساختارهای جمعیتی و اتحادهای بین‌المللی‌شان از جمله دولت-های تأثیرگذار منطقه خاورمیانه به شمار می‌روند. به گونه‌ای که جایگاه‌شان در ارتباط با تحولات منطقه‌ای و ائتلاف با قدرت‌های بزرگ نه تنها در روند تحولات منطقه‌ای تأثیر عمیق دارد، بلکه در سیستم‌های بین‌المللی نیز تأثیرگذار است. در همین راستا مقاله حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که؛ شیوه و روش استراتژی نرم (عمومی) سیاست خارجی چه تأثیری بر روابط خارجی ایران با ترکیه داشته است؟ نتیجه تحقیق بیان می‌کند که؛ دیپلماسی (نرم) جمهوری اسلامی ایران بعد از کودتای نافرجام، با طرح راهبردهای تنش‌زدایی، به رسمیت شناختن حوزه نفوذ قدرت منطقه‌ای ترکیه و بین‌المللی‌گرایی در عرصه سیاست خارجی باعث بهبود و گسترش مناسبات روابط خارجی ایران با ترکیه شده است.

واژگان کلیدی: ایران، ترکیه، دیپلماسی عمومی، سیاست خارجی، کودتا.

مقدمه

امروزه قدرت نرم به یکی از مباحثی تبدیل شده است که پژوهش‌های آکادمیک و دانشگاهی زیادی در حوزه سیاست خارجی در ارتباط با آن انجام می‌گیرد. نظریه قدرت نرم متعلق به جوزف نای نظریه‌پرداز سیاسی است که در دانشگاه هاروارد تدریس می‌کند. وی در آغاز دهه ۱۹۹۰، مفهوم تازه‌ای را ابداع کرد که این مفهوم در ادبیات امروز جامعه ما، کاربرد بسیاری پیدا کرده است. این مفهوم را «قدرت نرم» می‌گویند. دارندگان قدرت نرم برای قدرت-نمایی خود همواره از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند. از اینرو، تلاش آنها عملاً برای کشور هدف، جنگ نرم و راهبرد نرم محسوب می‌شود. اگر چه ابعاد و تحول جنگ نرم را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و حتی مدیریتی می‌توان به خوبی مشاهده کرد، اما حوزه مانور جنگ نرم در عرصه فرهنگی وسیع‌تر است.

در دهه‌های اخیر کشورهای دارای پتانسیل‌های قدرت نرم با استفاده از شیوه‌ای نوین در دیپلماسی که «دیپلماسی عمومی» خوانده می‌شود، تلاش کرده‌اند تا با توسل به افکار عمومی در سایر کشورها و بهره‌گیری از قدرت رسانه‌ها و تکنولوژی‌های ارتباطی؛ ضمن ایجاد تصویری مثبت از خود در سایر کشورها، منافع ملی و آرمان‌های خود را نیز پی‌گیرند؛ البته باید توجه داشت که اگرچه می‌توان ردپای استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی عمومی را در گذشته‌های بسیار دور نیز سراغ گرفت، اما تلاش در جهت بهره‌گیری علمی و نظام‌مند از قدرت نرم و دیپلماسی عمومی در عرصه‌ی سیاست خارجی و روابط بین‌المللی به دو دهه گذشته محدود می‌شود.

انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی تحقق قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و یا پرداخت هزینه‌ی محسوس به شمار آورد. انقلاب اسلامی ایران از رهگذر تبیین اندیشه و آرمان عدالتخواهانه خود درصدد برآمد با روش‌های غیرمستقیم به نتیجه‌ی دلخواه و مطلوب یعنی بیداری اسلامی دست یابد؛ تأیید ارزش‌های انقلاب توسط جنبش‌های آزادیبخش، اشاعه الگوی مردم-سالاری دینی، استقبال ملل مستضعف و افزایش اشتیاق آنان به نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی در صحنه‌ی بین-الملل، توان متقاعدسازی دیگر ملل از زاویه‌ی توانایی شکل دادن به ترجیحات و اولویت‌های آنان، جلب و جذب جهان اسلام به شخصیت رهبری، فرهنگ، ارزش‌ها، ساختار سیاسی و اعتبار اخلاقی جمهوری اسلامی ایران و نیز بهره-گیری از توان اطلاعاتی و ارتباطاتی رسانه‌های سنتی برای انتقال پیام انقلاب به مخاطبان مسلمان و مستضعف را می-توان در زمره‌ی مواردی دانست که جایگاه قدرت نرم را در فرآیند استقرار بنیان‌های انقلاب اسلامی ایران آشکار می‌سازد.

کاربرد دیپلماسی عمومی در سال‌های بعد از انقلاب تأثیر عمیقی بر روابط ایران و نوع سیاست‌گذاری خارجی ایران با قدرت‌های منطقه‌ای داشت. در این میان کشور ترکیه یکی از قدرت‌های منطقه‌ای بوده است که روابط گسترده‌ای را با تهران داشته است. بدون تردید، بخش گسترده‌ای از روابط دیپلماتیک ایران با ترکیه تحت تأثیر دیپلماسی عمومی و محورهای قدرت نرم سیاست خارجی ایران بوده است. شعارهای انقلابی اوایل انقلاب در دهه ۱۹۸۰، تأکید مقام ایران بر صدور انقلاب اسلامی و بحث شکل‌گیری هلال



سیاست خارجی کشور در چند دهه اخیر در منطقه خاورمیانه و به ویژه در حوزه روابط با کشور ترکیه، متأثر از دیپلماسی نرم (عمومی) ایران بوده است.

به نظر می‌رسد؛ دیپلماسی (نرم) جمهوری اسلامی ایران بعد از کودتای نافرجام، با طرح راهبردهای تنش‌زدایی، به رسمیت شناختن حوزه نفوذ قدرت منطقه‌ای ترکیه و بین‌المللی‌گرایی در عرصه سیاست خارجی باعث بهبود و گسترش مناسبات روابط خارجی ایران با ترکیه شده است.

ایران و ضرورت توجه به مقوله قدرت نرم

منافع ملی مهمترین عامل تعیین کننده سیاست خارجی دولت‌ها به شمار می‌آیند که به عنوان ارزش‌های اساسی جامعه، راهنمای اصلی آنها در روابط بین‌المللی هستند؛ این منافع گاه به‌طور صرف، جنبه داخلی دارند و گاه جنبه فرا-ملی می‌یابند، بیانگر ارزش‌های انسانی‌ترند. انقلاب اسلامی ایران برای ملت ما ارزش‌های انسانی مبتنی بر مکتب اسلام را عرضه کرد که در عین اینکه منافع ملت ایران‌اند، منافع تمام جوامع اسلامی و حتی غیراسلامی نیز محسوب می‌شوند؛ زیرا به نوع انسان و رهایی او توجه دارند نه به گروهی خاص؛ از طرف دیگر دستیابی به منافع ارزش‌ها نیز خود به داشتن قدرت، نیازمند است. لذا قدرت، تعیین کننده گستره منافع ملی است. به طور سنتی در روابط بین‌الملل، منبع عمده قدرت جوامع سیاسی قدرت سخت آنها در قالب عناصر چهارگانه فرهنگی، نظامی، سیاسی و اقتصادی بوده است؛ اما امروزه به دلایلی نظیر حرکت بین‌المللی به سوی جهانی شدن، انقلاب اطلاعاتی، گسترش سریع وسایل ارتباط جمعی، ناتوانی قدرت آشکار، توان

شیعی در منطقه از جمله محورهایی بوده است که بر نوع رفتار و تعاملات ترکیه با ایران تأثیر گذاشته است.

طی سال‌های بعد از ۲۰۱۱ و آغاز موج انقلاب‌های موسوم به بهار عربی در خاورمیانه، دیپلماسی نرم ایران بیش از پیش در منطقه فعال شد؛ در مقابل مقامات آنکارا واکنش‌های خاص خود را در برابر دیپلماسی منطقه‌ای ایران داشته‌اند. با نظر به این تفاسیر مسأله‌ای که در کلیت مقاله حاضر مطرح می‌شود بر این قرار است که دیپلماسی نرم (عمومی) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چه تأثیری را بر روند روابط خارجی با کشور ترکیه گذاشته است؟ در بررسی این موضوع در مقاله حاضر تلاش نموده-ایم تحلیل تئوریک و منسجم را از مباحث داشته باشیم و با بررسی روند بازیگری ایران در حوزه دیپلماسی نرم، میزان روابط میان دو کشور را مورد ارزیابی قرار دهیم.

بررسی کارنامه‌ی سی و چند ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌ی روابط بین‌المللی و سیاست خارجی گویای این امر است که این کشور همواره بعد مردمی و عمومی اینگونه روابط را وجهه همت خود قرار داده و از ابتدا در کنار روابط رسمی با دولت‌های دیگر- جهت گفتمان‌سازی نظم مطلوب موردنظر خود، تبیین اهداف و دست‌آوردها و مقابله با تبلیغات رسانه‌ای و رفع اتهام‌ها ضد کشور و ارائه‌ی تصویری صحیح از خود در جهان از یک‌سو و پیشبرد منافع ملی و تحقق سیاست خارجی خود از سوی دیگر به ارتباط با افکار عمومی کشورهای دیگر توجه ویژه‌ای داشته است.

از همین جهت مبحث قدرت نرم و دیپلماسی عمومی را می‌توان یکی از مهمترین حوزه‌ها در مطالعات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دانست. نوع کنش و

و بحران عراق، در درجه اول به افزایش روزافزون اهمیت مسائل خاورمیانه در نظام امنیت بین‌الملل باز می‌گردد. همچنین و در درجه دوم، ایران به دلیل برخورداری از یک رشته ویژگی‌های طبیعی ژئوپلیتیک از یکسو و مولفه‌های فرهنگی، مذهبی و تاریخی قدرت نرم و سیاست از سوی دیگر، به عنوان مهم‌ترین کشور اثرگذار بر مسائل منطقه و خاورمیانه حائز اهمیت می‌گردد. با کمی تأمل و بررسی، این واقعیت حاصل می‌شود که نفوذ معنوی و جایگاه منطقه‌ای ایران به نحوی است که کشورهای منطقه و حتی فرمانطقه‌ای مجبور به پذیرش آن هستند. به عبارت دیگر، مقامات کشورهای منطقه از جمله ترکیه به این دیدگاه واحد رسیده‌اند که قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران باید از طریق قدرت و تهدیدات نرم آنها کنترل و مدیریت گردد. در این راستا تلاش‌های اوباما پس از حضور در کاخ سفید بر مبنای همین راهبرد، تدوین و در حال اجراست. همچنین شواهد عینی نشان می‌دهد که موقعیت معنوی و فرهنگی و به اصطلاح قدرت نرم ایران در منطقه رو به فزونی نهاده و در حال تبدیل شدن به یک قطب فرهنگی موثر در منطقه است. ایران، زمینه‌ها و شرایط لازم برای کسب قدرت معنوی و ارتقای محبوبیت خود در میان کشورهای منطقه را فراهم آورده است، دیپلماسی فعال ایران در چند سال اخیر به اتخاذ، احیا و تثبیت سیاست‌های خاصی دامن زده است که در مجموع می‌تواند تصویرسازی مثبت از آن در افکار عمومی بین‌المللی و منطقه‌ای و زدودن برخی ابهامات، و در یک کلام هم‌مونی فرهنگی کمک شایانی کند (سمیعی اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۵).

رزمی و نیز حضور نهادهای جهانی غیردولتی در عرصه سیاست بین‌الملل، توزیع منابع قدرت در موضوع‌های مختلف بسیار تغییر کرده است؛ به صورتی که ساختارهایی متفاوت از نوع پیشین در عرصه قدرت در حال شکل‌گیری هستند که برخی، از آنها با عنوان رخنه در نوع کهن قدرت یا انقلاب در ماهیت قدرت یاد کرده‌اند؛ در حقیقت ما شاهد یک جابه‌جایی در منابع و نحوه به کارگیری قدرت در اشکالی دیگر هستیم، به نحوی که برخی معتقدند امروزه به کارگیری اسلحه برای دستیابی به اهداف ملی یا دفاع از آنها از طریق ایجاد نفوذ منفی و سمت‌دهی تحکم‌آمیز به اعمال سایر دولت‌ها، مشروع نیست؛ بر این اساس با مراجعه به طیف متنوع آثار موجود در باب قدرت، مشخص می‌شود که توجه به قدرت نرم و منابع عدیده آن، گفتمانی تازه را برای تأمین ارزش‌های یک جامعه شکل می‌دهد و در نتیجه، چهره‌ای تازه از قدرت مطرح می‌شود که دو مشخصه بارز دارد: اجتماعی بودن و هنجاری بودن. در نتیجه ضرورت به کارگیری قدرت نرم در سیاست خارجی برای رسیدن به منافع و به ویژه تحقق ارزش‌ها یا کسب نتایج مطلوب همراه با کاهش هزینه‌های اجرا و رفع تبعات منفی و مخرب به کارگیری خشونت، آشکار می‌شود؛ این موضوع به ویژه برای جمهوری اسلامی ایران که از اهداف متعالی و ارزش‌های معنوی غیرمبتنی بر زور و اجبار بهره‌مند است، جنبه انسانی و مکتبی داشته، مخاطب آنها نه تنها همه مسلمانان که تمام بشریت‌اند اهمیتی جدی دارد (جمشیدی(ب)، ۱۳۹۱: ۶۲). به نظر می‌رسد با وقوع تحولات جدید سیاست-امنیتی و ژئوپلیتیک، ساخت قدرت و سیاست در خاورمیانه به نفع ایران تغییر یافته باشد. افزایش نقش و اثرگذاری ایران در خاورمیانه پس از حوادث یازده سپتامبر



روند بازیگری ایران در پرتو قدرت نرم

باتوجه به تحولات جهان امروز، قدرت نظامی، عاملی اصلی برای تثبیت قدرت و تداوم آن محسوب نمی‌شود، بلکه گزاره‌هایی چون دموکراسی و آزادی، انگاره‌های فرهنگی به عنوان اهداف جذاب، تصویری رویایی را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند و این رویکرد نشانه اهمیت یافتن قدرت نرم-توانایی اقناع- است. در ایران، سرچشمه عمده قدرت نرم، از ایمان به جمهوری اسلامی و ارزش‌های مسلط در جامعه نشأت می‌گیرد. در این راستا، می‌توان در توسعه قدرت نرم از بزرگترین انقلابی که در قرن بیستم با تکیه بر استراتژی فرهنگی یا به عبارت دیگر قدرت نرم رخ داد، یعنی انقلاب اسلامی یاد کرد. ماروین زونیس، رئیس انستیتو خاور نزدیک در دانشگاه شیکاگو اعتقاد دارد: «پیام ایران، چه موقعی که عجیب و شگفت به نظر می‌آید و چه بعدها که از زیاد شنیدن، عادی و روزمره جلوه کند، به نظر من قوی-ترین و نافذترین جهان‌بینی سیاسی است که ما در قرن بیستم، از انقلاب روسیه به این طرف، با آن مواجه گشته‌ایم. اگر انقلاب روسیه را دنباله حوادث قرن ۱۹ و متعلق به آن قرن بدانیم، می‌توانیم ادعا کنیم که در قرن ما یک انقلاب اتفاق افتاده است و آن هم همین انقلاب ایران است. این پیام پرقدرت، زمانی طولانی باقی خواهد بود و فرقی نمی‌کند اگر آیت‌اله خمینی هم در قید حیات نباشد» (رایت، ۱۳۷۲: ۲۱).

بدون تردید، منابع قدرت نرم در ایران اسلامی فراوان و قابل بهره‌برداری است که از مهمترین آنها می‌توان ارزش‌های دینی، قدرت سیاسی و دیپلماسی، مردم و انسجام و همبستگی آنها را محور قرار داد. این موضوع از آن جهت

دارای اهمیت است که شرایط برای اعمال قدرت نرم طی سال‌های اخیر دچار تحولات چشمگیری شده است. انقلاب اطلاعات و جهانی شدن در حال تغییر دادن و کوچک کردن جهان هستند. در آغاز قرن بیست و یکم، این دو وجه اگرچه موجب تقویت قدرت آمریکا شده‌اند، اما به مرور زمان فن‌آوری‌ها به کشورهای دیگر نیز خواهد رسید و برتری نسبی آمریکا را با رکود مواجه خواهد کرد. به بیان دیگر، قدرت نرم فقط ابزار غرب نیست، بلکه سلاحی پایدار و مناسب برای رقیبان غرب نیز است (Taverner, 2010: 138). موضوعی که می‌تواند مورد توجه جمهوری اسلامی ایران باتوجه به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بکارگیری قدرت نرم قرار گیرد.

از این منظر، جوزف نای به عنوان برجسته‌ترین نظریه‌پرداز در موضوع قدرت نرم، در مورد منابع این شکل از قدرت، سه محور را مورد اشاره قرار می‌دهد: ۱- فرهنگ (زمانی که در نگاه دیگران جذابیت داشته باشد)؛ ۲- ارزش‌ها (هنگامی که هیچگونه ریایی در اجرای آنان به کار برده نشود)؛ ۳- سیاست خارجی (وقتی در چشم ناظران دارای مشروعیت باشد). این سه وجه با توجه به مختصات تاریخی، فرهنگی و ایدئولوژیک یک کشور می‌تواند تغییراتی را شامل شود. بنابراین، به عنوان مثال در یک نگاه کلی می‌توان از منابع ابزارهای زیر، به عنوان منابع قدرت نرم با نشانگاه جمهوری اسلامی ایران نام برد: ۱) مشروعیت سیاسی که خود شامل محورهایی همچون کارآمدی، مقبولیت و اعتماد ملی است. ۲) ارزش‌های فرهنگی و ایدئولوژیک که چارچوبه‌هایی همچون تمدن کهن، تولید علم و هنر و همچنین ایدئولوژی تشیع را دربر می‌گیرد. ۳) اعتبار و حسن شهرت که عمدتاً

به وجهه و تصویر نظام در عرصه روابط بین‌الملل ارتباط می‌یابد. (۴) انسجام سیاسی- اجتماعی که حول دو محور وحدت و وفاق ملی و همچنین اعتماد به نفس ملی قابل بررسی و تحلیل است (بلیک و گلشن‌پژوه، ۱۳۸۹: ۱۲۸). همچنین، تاریخ هر کشور نقشی مهمی در هویت ملی هر ملت دارد. تا آنجا که ریشه‌های هویت یک ملت را می‌توان در تاریخ آن جستجو کرد. این موضوع باعث می‌شود که همه اجزای فرهنگی یک ملت براساس آن وحدت یابند. بر این اساس، هویت انقلابی- اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران علاوه بر آنکه در برداشت این نظام از خود بسیار مؤثر است، می‌تواند پشتوانه اساسی ملت ایران بوده و سرگذشت مشترکی را برای همه ایرانیان ایجاد می‌کند که به نوبه خود موجب نوعی قدرت نرم‌افزاری است. به عبارت دیگر، قدرت نرم ایران در اسلام، فرهنگ، تاریخ، تمدن، زبان فارسی، ارزش‌های مردم‌سالانه، مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم و مواردی از این دست ریشه دارد (شهرام‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۲).

قدرت نرم در سیاست خارجی ایران؛ بهره‌گیری از رهیافت سازه‌انگاری

کاربرد قدرت نرم در سیاست خارجی ایران با شاخص‌های مربوط به صدور انقلاب با یکدیگر پیوند یافته است. صدور انقلاب منجر به تقویت هویت مقاومت در کشورهایی می‌شود که دارای نظام‌های سیاسی محافظه‌کار و غرب‌گرا می‌باشند هویت مشروعیت‌بخشی در ارتباط با کشورهایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که زمینه‌های لازم برای همکاری سازمان‌یافته جامعه و گروه‌های انقلابی فراهم می‌شود. به

همین دلیل است که می‌توان سیاست خارجی ایران را انعکاس همکاری‌های چندجانبه با بازیگران فراملی، منطقه‌ای، فراملی و دولتی دانست. به عبارتی نشانه‌ها و شکل‌بندی قدرت نرم در سیاست خارجی نقش محوری در سازماندهی امنیت منطقه‌ای کشورها دارد.

چنانچه فضای سیاسی، اجتماعی و امنیتی حاکم بر روابط کشورهای یک منطقه در شرایط رقابت، چالش و تعارض قرار داشته باشد طبیعی است که جلوه‌هایی از تضاد راهبردی بین این کشورها ایجاد خواهد شد. روندهای تولید قدرت نرم در سیاست خارجی و امنیت منطقه‌ای و ملی ایران در شرایطی بوجود می‌آید که از شکل‌بندی و کاربرد عینی برخوردار باشد. انعکاس قدرت نرم را می‌توان در منافع ملی کشورهای ایدئولوژیک از جمله کشورمان مورد توجه قرار داد. البته باید توجه داشته باشیم که حوزه کاربردی و جایگاه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در محیط‌های منطقه‌ای شکل گرفته است. دولت‌هایی که در فضای ضدآمریکایی قرار دارند و از انگیزه لازم برای بهره‌گیری از نشانه‌های مربوط به قدرت نرم ایران در مقابله با سیاست امنیتی آمریکا در منطقه برخوردارند. قدرت نرم در سیاست خارجی ایران باید توانایی بوجود آوردن الگوهای ایجاد تعادل و موازنه در امنیت منطقه‌ای را دارا باشد. نشانه‌های الگویی کاربرد قدرت نرم را می‌توان پاسخی نسبت به نوسانات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای منطقه‌ای در ارتباط با امنیت‌سازی دانست. بهره‌گیری از رهیافت سازه‌انگاری می‌تواند بخشی از نیازهای امنیت‌سازی منطقه‌ای را تأمین کند. این رهیافت بر کاربرد قدرت نرم در رفتار سیاست خارجی و منطقه‌ای



واقعیت‌های اجتناب‌ناپذیر سیاست خارجی هویتی و هنجارگرا در جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند.

رهیافت‌های ارائه شده از سوی رهبران جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که نظام سیاسی و سیاست خارجی ایران دارای قالب‌های معنایی-هنجاری بوده و درصدد توسعه همکاری‌گرایی در حوزه منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. در تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بر نقش هنجارهای درونی‌شده بین‌المللی یا فراملی مشترک میان دولت‌ها که در درون جامعه بین‌المللی شکل می‌گیرد تأکید می‌شود. در این ارتباط نقش هنجارهای داخلی را که از سطح اجتماعی نشأت می‌گیرند و درونی می‌شوند مورد توجه قرار می‌گیرند. بر این اساس سیاست خارجی ایران صرفاً در فضای قدرت نظامی، اقتصادی و راهبردی شکل نمی‌گیرد، بلکه فرآیندهای متنوعی از جمله همکاری، تعامل، اعتمادسازی، مشارکت و چندجانبه‌گرایی می‌تواند شکل‌بندی و روند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار دهد به این ترتیب مؤلفه‌هایی همانند تعامل‌گرایی منطقه‌ای، اعتمادسازی و چندجانبه‌گرایی را می‌توان شاخص‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی در جهت-گیری سیاست خارجی ایران دانست.

کاربرد رهیافت سازه‌انگاران در سیاست خارجی ایران را می‌توان بخشی دیگر از فرآیندی دانست که معطوف به کاربرد قدرت نرم در حوزه نظری و رهیافت تحلیلی می‌باشد. سازه‌انگاری در زمره رهیافت‌هایی محسوب می‌شود که امکان همکاری چندین بازیگر منطقه‌ای برای نیل به منافع مشترک را فراهم می‌سازد. به این ترتیب سیاست خارجی هنجارگرا بخشی از ضرورت‌های راهبردی ایران برای تأثیرگذاری بر محیط منطقه‌ای محسوب می‌شود.

شکل گرفته است. لذا اگر بتوان به هنجارهای نسبتاً مشترکی نائل گردید، در آن شرایط زمینه برای ائتلاف-سازی منطقه‌ای فراهم می‌گردد. این نظریه بر موازنه تهدید تأکید داشته و تلاش دارد تا زمینه همکاری کشورهای منطقه‌ای براساس همکاری برای کاهش تهدیدها را فراهم آورد.

تحقق این امر نیازمند بهره‌گیری از فرآیندهایی است که کشورهای منطقه بتوانند اهداف راهبردی خود را بدون توجه به مداخله قدرت‌های بزرگ تنظیم نمایند. تعادل در ساختار قدرت منطقه‌ای به موازات بهره‌گیری از مؤلفه‌های توازن تهدید، می‌تواند زمینه امنیت‌سازی در منطقه را بوجود آورد. براساس چنین فرآیندی زیرساخت‌های لازم برای انسجام اسلامی در خاورمیانه ایجاد می‌شود. به هر میزان کشورهای منطقه‌ای احساس تهدید بیشتری نمایند در آن شرایط امکان مشارکت امنیتی آنان در فضای منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش خواهد یافت. کاربرد سیاست خارجی براساس شاخص‌های قدرت نرم دارای ماهیت و جهت‌گیری گفتمانی است. به طور کلی گفتمان‌های امنیت ملی براساس نشانه‌های زبانی، مفهومی، ادراکی و تحلیلی شکل می‌گیرد. از سوی دیگر می‌توان بر این امر تأکید داشت که سازه‌انگاران را می‌توان اصلی‌ترین نظریه‌پردازان نشانه‌شناسی هنجاری در امنیت منطقه‌ای دانست. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس چنین نشانه‌هایی شکل گرفته و حوزه تعامل منطقه‌ای بین‌المللی خود را براساس چنین مفاهیمی تبیین و سازماندهی نموده است.

نظریه‌پردازان سازه‌انگار بر ضرورت بهره‌گیری از قواعد، هنجارها، معانی، انگاره‌ها و رویه‌های مشترک در سیاست خارجی هنجارساز تأکید دارند. این مؤلفه‌ها بخشی از

کشور متأثر از شرایط انقلابی و رادیکال بود سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز ماهیتی مواجهه‌آمیز در قبال جهان غرب داشته و اهداف صدور انقلاب و کمک به نهضت‌های آزادیبخش به صورت آشکار و با قدرت تعقیب می‌شد. اما در دوران پس از جنگ، فضای عمومی کشور به سوی بازسازی اقتصادی که لازمه آن تعامل بیشتر با جهان بود، حرکت کرد. در نتیجه سیاست خارجی ما نیز مسیر دیگری را در پیش گرفت. آثار قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در حوزه سیاست داخلی مورد توجه قرار داد. کشورها نمی‌توانند بدون توجه به مؤلفه‌های درون ساختاری از قدرت نرم در حوزه سیاست خارجی استفاده نمایند. قالب‌های سازه‌انگاره با رویکرد کاربرد قدرت نرم در اندیشه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همگونی بیشتری دارد. این شاخص‌ها و نشانه‌ها را می‌توان در ارتباط با رویکرد معناگرا به موضوع قدرت، بیگانه‌ستیزی و نفی سبیل در سیاست خارجی، آزادی عمل و کنش‌گرایی فعال در سیاست بین‌الملل، تعامل براساس برابری نقش‌ها و کنش‌گرایی هویتی در سیاست خارجی مورد توجه قرار داد. به این ترتیب مؤلفه‌هایی همانند عمل‌گرایی و بیگانه‌ستیزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان نشانه‌هایی از کاربرد قدرت نرم دانست (تاجیک، ۱۳۸۷: ۶۵-۶۰).

ویژگی بازیگران محیط منطقه‌ای ج.ا. ایران

کاربرد قدرت نرم در ارتباط با بازیگران انجام می‌گیرد. بازیگران را می‌توان محور اصلی کنش سیاست خارجی در نگرش رئالیست‌ها و همچنین سازه‌انگاران دانست. سازه-

هنجارگرایی دارای شاخص‌های مشترکی با نشانه‌های قدرت نرم در حوزه سیاست خارجی محسوب می‌شود (خسروی و همکاران، ۱۳۹۳).

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با رهیافت‌های مختلفی قابل تبیین می‌باشد. به طور کلی به نظر می‌رسد رهیافت‌های متعارف روابط بین‌الملل در ارائه تصویری روشن از ماهیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با کمبودهایی مواجه هستند و همین امر ضرورت طرح چارچوبی نظری در این زمینه که با ویژگی‌های منحصر به فرد رفتار خارجی جمهوری اسلامی تناسب داشته و درک روشنی از آن ارائه دهد را دو چندان می‌سازد. رهیافت نئولیبرالی نیز همانند رهیافت سازه‌انگاری بر ضرورت‌های کاربرد قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأکید دارد. آنچه به عنوان بیداری اسلامی یا ایدئولوژی هویت‌گرا در جهان اسلام محسوب می‌شود را می‌توان بخش دیگر از قدرت نرم جمهوری اسلامی دانست که در قالب رهیافت‌های نئولیبرالی و پیوند آن با هنجاره‌های سازه‌انگاران منعکس می‌شود.

برخلاف واقع‌گرایان که بر نقش عوامل مادی در روندهای سیاست خارجی واحدهای سیاسی تأکید داشته‌اند. باید به این امر توجه داشت که سازه‌انگاران بر موضوع‌های مربوط به فضای معنایی و همچنین قواعد تکوینی تأکید دارند. قواعد تکوینی در زمان نسبتاً طولانی شکل می‌گیرد. بنابراین موضوع قدرت نرم و تأثیر آن در سیاست خارجی نیازمند آن است که شرایط و فضای مربوط فراهم گردد. این امر در فرآیند تغییر و تحول زمانی ایجاد می‌شود. برای مثال هنگامی که در دهه اول انقلاب، فضای عمومی داخلی



از وظایف اصلی او پاسداری بی‌چون و چرا از اسلام ناب محمدی است. اسلام ناب محمدی، اسلامی است که (در بعد خارجی) غرب و در رأس آن آمریکای جهانخوار و شرق در رأس آن شوروی جنایتکار را به خاک ذلت خواهد نشاند. اسلامی که پرچمداران آن پابرهنگان و مظلومین و فقرای جهانند و از جنبه داخلی پاکسازی مفسد اخلاقی مردم و جامعه و نوسازی جامعه مؤمنان از طریق تأسیس سازمان-های جدید و در نهایت برپایی عدالت را هدف و رسالت اصلی خود قرار داده است (ازغندی(ب)، ۱۳۸۹: ۵۲).

سازماندهی صلح و تعادل منطقه‌ای در خلیج فارس زمانی شکل می‌گیرد که ریشه‌های نامنی، جنگ و بدبینی منطقه‌ای مورد بررسی قرار گیرند. این امر بر مبنای تجارب گذشته سیاست خارجی کشورهای منطقه‌ای تنظیم خواهد شد. از سوی دیگر می‌توان تأکید داشت زمانی کشورها درصدد ایجاد صلح خواهند بود که هزینه‌های جنگ برای آنان بیش از منافع‌اش باشد. به طور کلی، جنگ‌های منطقه‌ای هزینه‌های اجتماعی، انسانی و استراتژیک برای کشورهای همجوار ایجاد خواهد کرد. در چنین شرایطی الگوی رفتاری کشورها در راستای تحقق اهداف و منافی است که می‌تواند محدودیت‌های فراروی امنیت ملی و منطقه‌ای خود را در قالب الگوی تعامل‌گرا سازماندهی نمایند.

مدیریت کنش بازیگران منطقه‌ای

از شاخص‌های اصلی مدیریت کنش در سیاست امنیتی کشورها را می‌توان فعال‌سازی بازیگران منطقه‌ای دانست. بازیگرانی که دارای رویکرد محافظه‌کار بوده و یا در قالب ائتلاف‌های رقیب قرار می‌گیرند. براساس رهیافت سیاست

انگاران بر این اعتقادند که نه تنها باید به مؤلفه‌هایی همانند قدرت ابزاری توجه داشت، بلکه نشانه‌های هنجاری را می‌توان به عنوان محور اصلی رفتار منطقه‌ای بازیگران دانست. بنابراین در حوزه امنیتی خلیج فارس و خاورمیانه، شاخص‌های مربوط به قدرت نرم جمهوری اسلامی به ویژه کاربرد قدرت نرم در ارتباط با بازیگران انجام می‌گیرد. بازیگران را می‌توان محور اصلی کنش سیاست خارجی در نگرش رئالیست‌ها و همچنین سازه‌انگاران دانست. سازه‌انگاران بر این اعتقادند که نه تنها باید به مؤلفه‌هایی همانند قدرت ابزاری توجه داشت، بلکه نشانه‌های هنجاری را می‌توان به عنوان محور اصلی رفتار منطقه‌ای بازیگران دانست. بنابراین در حوزه امنیتی خلیج فارس و خاورمیانه، شاخص‌های مربوط به قدرت نرم جمهوری اسلامی به ویژه قدرت هویت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. واحدهای سیاسی همواره تلاش خود را برای سازماندهی فرآیندهای همکاری‌جویانه به کار می‌گیرند. این امر انعکاس نیاز آنان به صلح و امنیت می‌باشد (جمشیدی (الف)، ۱۳۸۶: ۶۴).

مخالفت جمهوری اسلامی ایران با سیاست منطقه‌ای کشورهای محافظه‌کار خلیج فارس دارای شاخص ایدئولوژیک بوده است. ایدئولوژیک بخش اجتناب‌ناپذیر قدرت نرم ایران در مقابله با تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود. به همین دلیل است که رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به حوزه منطقه‌ای نیز منعکس می‌شود. حمایت از کشورهای اسلامی که در خاورمیانه و خلیج فارس قرار دارند را می‌توان بخش اجتناب‌ناپذیر سیاست امنیتی ایران دانست.

از دیدگاه رهبری، انقلاب نه تنها ولایت رسالت راهنمایی امت اسلامی در تمام امور داخلی و خارجی را داراست، بلکه

عمومی کشور در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و استراتژیک دانست. تمامی مؤلفه‌های یاد شده بخشی از ضرورت‌های سیاست خارجی ایران در روند کاربرد قدرت نرم محسوب می‌شود. برای تحقق چنین اهدافی لازم است تا اقداماتی از جمله ایجاد زیربنای لازم برای توان بخشی مناسبات خارجی و تحرکات بین‌المللی ایجاد شود. انجام این امر، در راستای تحقق اهداف عمومی قدرت نرم ایران در حوزه سیاست خارجی محسوب می‌شود. کاربرد قدرت نرم بیش از هر چیزی مستلزم تعدیل ساختاری و کاهش دیوان-سالاری دولتی و دگرگونی وظایف حاکمیتی و فراهم‌سازی زمینه‌های همدلی و چشم‌انداز مشترک است.

بررسی روابط ایران و ترکیه

برای بررسی روابط ایران و ترکیه به یک چشم‌انداز تاریخی نیاز است. با تعمقی کوتاه در گذشته ایران و ترکیه به سابقه‌ای طولانی در مناسبات دو کشور برخورد می‌کنیم. تاریخ روابط ایران و امپراتوری عثمانی همواره پرتنش بوده است. امپراتوری عثمانی و ایران در طی دوران طولانی به جنگ‌های فرقه‌ای و ایدئولوژیک پرداختند. رقابت‌های دو کشور در دوران صفوی (۱۷۲۲-۱۴۸۶) شدیدترین دوره رقابت بود. با از بین رفتن صفویان، پس از یک دوره فراز و فرود در ساختار سیاسی ایران، سلسله قاجار با امپراتوری عثمانی سعی در دستیابی به ایجاد ثبات در مرزهای بین دو کشور شدند. در این دوران نیز اصطکاک‌های کوچکی بین طرفین شکل گرفت. با درگیری‌های بیشتر امپراتوری عثمانی با روسیه، زمینه بیشتر برای بهبود روابط با ایران مهیا شد. پس از فروپاشی امپراتوری و ظهور رضاشاه و آتاترک، بسیاری از تنش‌های مرزی و مذهبی تقلیل یافت و

خارجی جمهوری اسلامی ایران، کشورهای غربی به عنوان نماد رقابت و جدال ژئوپولیتیکی با قدرت نرم ایران محسوب می‌شوند. به همین دلیل است که ایران تلاش دارد تا زمینه‌های ظرفیت‌سازی و اصلاحات ساختاری در حوزه منطقه‌ای را فراهم آورد. محور اصلی کنش سیاست منطقه‌ای ایران را می‌توان براساس اصل تمایز مورد توجه قرار داد. هرگونه تمایزگرایی در حوزه سیاست امنیتی ایران انعکاس قالب‌های ایدئولوژیک و نشانه‌هایی محسوب می‌شود که متفاوت از روح محافظه‌کار است. این امر در نگرش رهبران سیاست خارجی ایران مورد تأیید قرار گرفته است. به هر میزان فرایندهای معطوف به امنیت‌گرایی براساس نشانه‌های هویت‌گرایی در منطقه گسترش بیشتری پیدا کند، طبیعی است که مؤلفه‌های قدرت نرم ایران از کاربرد و تأثیرگذاری بیشتری نیز برخوردار خواهد شد.

ظرفیت‌سازی را می‌توان اولین گام برای ارتقاء موقعیت سیاسی، اقتصادی و استراتژیک کشورها دانست. این امر نشان می‌دهد که هیچ بازیگری نمی‌تواند در فضای منطقه‌ای و بین‌المللی بدون توجه به مؤلفه‌های ساختاری به ایفای نقش مبادرت نماید. از سوی دیگر هرگونه ارتقاء موقعیت سیاسی کشورها را می‌توان زمینه‌ساز جلوه‌هایی از همکاری چندجانبه دانست. تجربه سیاست خارجی ایران نشان می‌دهد که ظرفیت اقتصادی کشور در دوران‌های بهره‌گیری از قدرت نرم از کارآمدی بیشتر برخوردار شده است. ظرفیت‌سازی به مفهوم بهره‌گیری از شرایطی است که زمینه تولید اقتصادی و اجتماعی صلح‌آمیز در فضای منطقه‌ای را به وجود می‌آورد (Djerejian, 2007: 15).

قابل ذکر است که ظرفیت‌سازی در سطوح مختلفی شکل می‌گیرد. اولین ظرفیت‌سازی را می‌توان ارتقاء قابلیت



موضوعاتی از قبیل مسائل مرزی، اقلیت‌ها، تجارت و بازرگانی و مسائل ایدئولوژیکی و فرهنگی با فراز و فرودهایی تحول پیدا کرد (گوکهان، ۱۳۸۵: ۱۳۷)، در این دوران توجه به آرمان‌های اسلامی در صدر روابط ایران با هر کشور دیگری قرار گرفت به همین علت مناسبات ایران اسلامی و ترکیه لائیک تا حد زیادی تقلیل یافت به طوری که حتی در سال ۱۹۸۹ به دلیل سیاست‌های اسلام‌خواهانه ایران در ترکیه، روابط دوجانبه به طور واضح بدتر شد. نتیجه این بود که سفیران فراخوانده شدند و مقامات دولتی ایران علناً تصمیم آنکارا برای ممنوعیت حجاب زنان در دانشگاه‌ها را محکوم کردند. بنابراین این حادثه نشان داد که مسائل اسلامی، شدت و تولید تنش میان دولت‌های ترکیه و ایران، بین شهروندان دو کشور و در سطح بالای اقتدار اجرایی را افزایش می‌دهد (Narli, 1993: 1-2)، با این وجود در این دوران ایران به دلیل جنگ با عراق و ترکیه به دلایل اقتصادی نیاز به روابط با یکدیگر را احساس کردند. همچنین هر دو از نفوذ اتحاد جماهیر شوروی می‌ترسیدند. بنابراین دو کشور خصومت ایدئولوژیک را برای حفظ روابط مناسب کم اهمیت شمردند (Gundogan, 2001: 1).

پس از فروپاشی شوروی نیز دو کشور در پی فرصت‌های جدید حاصل از این فروپاشی بودند. فرصت‌های مذکور با توجه به استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز فرصت زیادی را در اختیار ترکیه قرار می‌داد. روابط دوجانبه ایران و ترکیه نیز در طول دهه ۱۹۹۰ همچون تاریخ روابط دو کشور، با فراز و فرودهایی همراه بود. روابط دو کشور در این دهه غیردوستانه بود. اولین مشکل که توسط وزارت خارجه ترکیه مورد ادعا قرار گرفت، مربوط به (ظن ترک‌ها) کمک

روابط دو کشور سروسامان جدیدی پیدا کرد. سفر رضاشاه به ترکیه و تأثیرپذیری از آتاترک، وی را بر اصلاحات در درون ایران مصمم‌تر کرد. به هر حال به اذعان بسیاری، تأثیرپذیری از آتاترک، وی را بر اصلاحات در درون ایران مصمم‌تر کرد. به هر حال به اذعان بسیاری، روابط دوجانبه تا پیش از ۱۹ سال (به ویژه از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۵) تحت تأثیر برخی اختلاف نظرها قرار داشت که تأثیری منفی بر روابط گذاشته بود (Aydin Can & Others, 2011: 34). پس از روی کار آمدن سلسله پهلوی به صورت روابط خوب بین دو کشور ادامه یافت. به باور بولنت ارس با وجود برخی از تنش‌های جزئی در روابط ایران و ترکیه، در دوران رژیم پهلوی بهترین سطح روابط در زمان خود میان ایران و ترکیه به دست آمد.

با وقوع جنگ جهانی دوم و پس از آن شکل‌گیری نظام دوقطبی، ایران و ترکیه با حمایت‌های غرب بیشتر به یکدیگر نزدیک شدند و در پیمان‌های مختلف منطقه‌ای کنار یکدیگر قرار داشتند. در واقع، وجود مشترکات دینی، تاریخی، فرهنگی و مشارکت در پیمان‌های منطقه‌ای نظیر سازمان کنفرانس اسلامی، جنبش غیرمتعهدها و غیره، سبب پیوند روابط و مناسبات دوستانه و عمیق دو کشور همسایه و مسلمان ایران و ترکیه شد. در دوران جنگ سرد یکی دیگر از عواملی که دو کشور را به هم نزدیک می‌کرد این بود که ایران و ترکیه ذیل یک قطب (بلوک غرب) قرار می‌گرفتند و روابط دو کشور تحت تأثیر رقابت‌های دو قطب شوروی و آمریکا قرار داشت. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، الگوهای درگیری و همکاری موجود در روابط ایران و ترکیه در سال‌های بعد ادامه پیدا کرد. این روابط حول

افغانستان به عنوان عضو مهم ناتو، در پرونده هسته‌ای ایران به عنوان میانجی و حتی در تحولات اخیر در مصر، لیبی و سوریه که کانال مستقیمی میان اوپاما و اردوغان برای هماهنگی مواضع شکل گرفته است (Guzansky, Yoel & Gallia, 2011: 2). بنابراین به روابط با ترکیه از هر منظری که نگاه شود برای ایران دارای اهمیت است. پس از روی کار آمدن رئیس جمهور احمدی‌نژاد، روابط ایران و ترکیه در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی رو به گسترش نهاده است، ثبات نسبی حاکم بر روابط ایران و ترکیه باعث مرتفع شدن سوءتفاهم‌ها و ایجاد زمینه‌ای مناسب برای اعتمادسازی دوجانبه شده است و همکاری‌های درازمدت آتی در عرصه‌های امنیتی، مبارزه با تروریسم و احداث خطوط لوله انتقال گاز طبیعی، مدنظر دو طرف است. مسئله تبدیل شدن ترکیه به یکی از مشتریان بزرگ انرژی صادراتی ایران از یکسو و سپس به رسمیت شناخته شدن نقش ترکیه به عنوان واسطه انتقال گاز ایران به اروپا، نقش سرنوشت‌ساز در مناسبات تهران- آنکارا دارد و می‌تواند منابع اقتصادی سرشاری را نصیب آنکارا کند. همچنین قبول و اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک و یا همکاری‌های اقتصادی و فنی دوجانبه و یا در قالب اکو، امتیازات قابل ملاحظه‌ای را برای دو کشور به بار خواهد آورد. ضمن اینکه سرمایه‌گذاری‌های مشترک راحت‌تر و موفق‌تر، موانع گمرکی و تجاری ایجاد شده از سوی رقبای منطقه‌ای و جهانی را خنثی خواهد کرد. یکی از امتیازات بسیار مهم دو کشور هم مرز بودن آنهاست. مبادله کالا، همکاری‌های تجاری و رفت و آمدهای انسانی بین استان‌های مرزی دو کشور، زمینه را برای یکپارچگی هرچه بیشتر اقتصادی مهیا می‌سازد (ازغندی(الف)، ۱۳۸۲: ۳۸-۳۶).

تدارکاتی ایران به گروه پ.ک.ک (Akram, 2010: 12)، و ارتجاعیون اسلامی بود (Aras, 2008: 496)، مشکل دیگر درگیری‌های ایدئولوژیکی بین دو کشور بود. این درگیری‌های ایدئولوژیکی مرتبط با تلاش نظام‌های سیاسی دو کشور برای مشروعیت‌بخشی خود در افکار عمومی بود (Yesilyurt & Atay, 2009: 45). بدین ترتیب باید نتیجه گرفت که روابط ایران و ترکیه مبتنی بر گذشته تاریخی است. در واقع این روابط همیشه به دشمنان ضروری و دوستان طبیعی معروف بوده است. هر دو کشور از موقعیت خاص استراتژیک در منطقه بر-خوردارند که این موقعیت مرهون جغرافیایی است که در آن قرار دارند. ایران پل ارتباطی ترکیه به شرق و ترکیه پل ارتباطی ایران به غرب است. بدون تردید تحولات درونی کشورهای ایران و ترکیه بر یکدیگر تأثیر می‌گذارد. مسائل مشترک، موجبات همکاری و تعارض را میان دو کشور فراهم کرده است. نگاهی به تاریخ ایران و ترکیه نشان می‌دهد که بسیاری از تحولات دو کشور مصادف با یکدیگر و بعضاً تأثیرگذار بر یکدیگر بوده است. وقوع انقلاب مشروطه در ایران و عثمانی، ظهور رضاخان و آتاترک در دو کشور، وقوع کودتا علیه مصدق و مندرس در ایران و ترکیه در گذشته نه چندان دور و تقویت اسلام‌گراها در ترکیه و ظهور جناح اصول‌گرا در ایران از جمله تأثیرات دوران اخیر بوده است. در وضعیت کنونی ترکیه به عنوان یک بازیگر مهم در منطقه و جهان به حساب می‌آید. ترکیه از جهات مختلف دارای اهمیت است؛ از جمله اینکه این کشور جزء اولین کشورهای متحد غرب می‌باشد. ترکیه هنوز هم شریک اصلی غرب در تعدادی از جبهه‌ها است. شراکت در عراق در حل و فصل درگیری‌ها و مسائل اکراد، در



و کمالیسم در دوره‌های مختلف از برکنار ساختن احزاب راست‌گرای عدنان مندرس و سلیمان دمیرل گرفته تا خلع قدرت حزب اسلام‌گرای نجم‌الدین اربکان از طریق کودتای نظامی به تغییر روند سیاست و حکومت در ترکیه دست زده‌اند. اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه بعد از اینکه قدرت را در ترکیه بدست گرفتند از طریق کانال‌های مختلف سیاسی و حقوقی به ویژه با توسل به فرایند عضویت در اتحادیه اروپا و غیرنظامی ساختن حکومت در ترکیه برای نزدیکی به موازین کپنهاک و همچنین اصلاحاتی که حزب در قانون اساسی این کشور برای تحدید نفوذ و قدرت قانونی ارتش انجام داد به ایجاد توازن در رابطه ارتش و جامعه مدنی پرداخت. حزب حاکم برای تقلیل نفوذ ارتش و تضعیف بنیان‌های سکولاریسم به ایجاد اتحاد و تقویت متقابل جماعت گولن در نهادهای سیاسی و مدنی به ویژه وارد ساختن عناصر اسلام‌گرای جماعت گولن در دانشکده‌های نظامی وزارت دادگستری، ژاندارمری و بدنه اصلی دولت دست زد. این مسئله از یک‌سو موجب نضج گرفتن نفوذ گولنیست‌ها در نهادهای سیاسی - نظامی ترکیه شد و از سوی دیگر قدرت گرفتن شبکه هیزمت فضای شکل‌گیری یک دولت موازی در برابر دولت عدالت و توسعه را فراهم ساخت؛ بگونه‌ای که با شدت گرفتن اعتراضات پارک‌گری و چالش فاش کردن فساد مالی دولت (۲۰۱۳) اردوغان از سوی رسانه‌های جماعت هیزمت و شخص فتح‌اله گولن شکاف قابل توجهی بین دو نیروی اسلام‌گرا در جامعه سکولار ترکیه پدید آمد. حمایت ارتش از ورود نظامی ترکیه به جنگ سوریه بصورت حمایت لجستیکی و نظامی از جریان‌های معارض سوری و همچنین پایان روند

بنابراین در حال حاضر مجموعه تحولات داخلی در ایران و ترکیه و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی سبب گردیده است که روابط دو کشور از نقطه منفی (تنش در روابط) عبور کند و به سطح نقطه مثبت (اعتماد دوجانبه) ارتقاء یابد (بطحای اصل، صدیق و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۸۲).

کودتای نافرجام ترکیه و آثار آن بر روابط ایران و ترکیه

کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ در ترکیه، به عنوان مدل برجسته نوسازی اسلامی در مطالعات توسعه سیاسی و اقتصادی، نگاه جهانیان را متوجه این کشور نمود. در شرایطی که ترک‌ها از مدل حکومتی الگو با اقتصاد پیشرو، جامعه مدنی پویا و رهبران بروکراتیک متعهد، برای جهان اسلام سخن می‌گفتند، کودتا در کشور آنها چیزی عجیب، اتفاقی نابجا و پدیده‌ای زمان‌پیش بود.

فهم چرایی زمینه‌ها و علت وقوع کودتای نافرجام ۱۵ جولای در ترکیه منوط به درک ماهیت روابط بین دولت و نهاد ارتش از یک‌سو و روابط دولت عدالت و توسعه با جماعت گولن و همچنین نحوه تعامل نیروهای سیاسی مدنی گروه‌های اسلام‌گرا و کمالیست و ارتباط آنها با نیروهای خارجی از سوی دیگر است.

از زمان تأسیس جمهوری نوین ترکیه، دولت رابطه تنگاتنگی با نهاد ارتش داشته است و تا قبل از روی کار آمدن اسلام‌گرایان حزب اعتدال و توسعه (۲۰۰۲) نوعی عدم توازن در تعامل ارتش و جامعه مدنی در وضعیت سیاسی این کشور حاکم بوده است. نظامیان با پیوند زدن مشروعیت و مطالبات خود به حفاظت از بنیان‌های لائیسزم

مردم از تسلط شبکه جماعت گولن در ترکیه که طی سال- های قبل توسط رسانه‌های دولتی بازنمایی منفی از آن به عمل آمده بود، حمایت احزاب اپوزیسیون از دولت قانونی، نبود پایگاه و پشتوانه مردمی از کودتاچیان و عدم دخالت مستقیم نیروهای خارجی موجب شد که کودتای پنجم در ترکیه برای ایجاد تغییر در سیاست و حکومت این کشور نافرجام بماند. به هر روی محدود ساختن کودتای ۱۵ جولای ترکیه به بحث‌های مجادله‌انگیز نزاع میان دولت اردوغان و مخالفان وی در داخل و خارج از ترکیه و همچنین سناریوسازی‌های ضد و نقیض در تحلیل علت کودتا فهم دقیق و جامعی از چشم‌انداز روندهای سیاسی جاری در ترکیه فراهم نمی‌سازد. به همین خاطر در راستای درک چشم‌انداز تحولات بعد از کودتای نافرجام ترکیه، ضروری است تا به تبیین سناریوی ترکیه بعد از کودتا و پیامدهای راهبردی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بپردازیم. گفتنی است؛ دولت عدالت و توسعه بعد از ۱۵ جولای دچار تزلزل و ضعف نهادی شده است. اینکه بازسازی دولت بعد از کودتا همانند گذشته خواهد بود یا مسیر متفاوتی را طی می‌نماید همبستگی عمیقی با دو سطح از رفتار داخلی دولت اردوغان و نیروهای خواهان تغییر وضعیت موجود و همچنین ترجیحات سیاسی امنیتی ایالات متحده آمریکا و متحدین ناتو ترکیه دارد. در حال حاضر به دلیل وجود ابهام در نوع جهت‌گیری‌های کوتاه‌مدت اردوغان منابع داخلی و بین‌المللی برای بازسازی نهاد دولت در ترکیه با مشکل مواجه هستند و منابع بین‌المللی در روند کوتاه مدت با توجه به جهت‌گیری کلان کارگزار سیاست و حکومت در ترکیه و همچنین تحولات جاری خاورمیانه بسیار موثرتر خواهند بود.

آتش‌بس میان ارتش و شبه نظامیان پ.ک.ک فضای ورود عملیاتی و بازتعریف نقش و جایگاه ارتش بعد از یک دهه انزوا در این کشور را فراهم ساخت. بازگشت ارتش به سیاست در کنار نفوذ عمیق جماعت گولن در بدنه اصلی و میانی ارتش ترکیه بویژه دانشکده‌های نظامی باعث تقویت و قدرت گرفتن بیش از پیش دولت موازی در حکومت سیاسی و نظامی ترکیه گردید؛ همین مسئله در کنار حمایت‌های نیروهای خارجی از نیروهای موازی دولت در داخل ترکیه تزلزل در کارکرد سرویس اطلاعاتی و امنیتی حزب عدالت و توسعه با توجه به رسوخ عناصر گولن، تحلیل رفتن قوا و قابلیت‌های دولت در نتیجه چالش‌های اساسی در سیاست خارجی و همچنین مسئله پیشروی کردها در شمال سوریه و افزایش فعالیت‌های تروریستی در این کشور و در نهایت افزایش اقدامات تلافی‌جویانه حزب عدالت و توسعه از شبکه جماعت گولن از دستگیری روزنامه‌نگاران و عناصر نظامی منتسب به گولن گرفته تا ممنوعیت فعالیت‌های رسانه‌ها و سازمان‌های فرهنگی سیاسی مربوط به این شبکه موجب تحریک و بسیج عناصر نظامی جماعت گولن در سطوح میانی ارتش برای تغییر روند سیاست و حکومت در ترکیه از طریق کودتا گردید.

اما اطلاع نیروهای سرویس اطلاعاتی از وقوع کودتا، حمایت همه‌جانبه سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی از دولت مستقر، شکاف، ضعف و بی‌تجربگی عوامل کودتا که عمدتاً از بدنه متوسط ژاندارمری‌ها هستند، حضور مردم در حمایت از دولت مستقر برای جلوگیری از تکرار حکومت ژنرال‌ها، نفوذ و قدرت بسیج‌کنندگی بالای اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه در حمایت از اردوغان که از ساعات اولیه به خیابان‌ها ریختند و در برابر پیشروی کودتاچیان ایستادند، ترس



غربی و همچنین روند نزدیکی به روسیه به ویژه برنامه دیدار پوتین و اردوغان در ۹ اگوست و به طور کلی جهت-گیری کارگزارانه به سمت شرق، اما نهادهای سیاسی مدنی ساختارهای اقتصادی قابلیت‌های نظامی شبکه‌های امنیتی و رویکرد کلان جمهوری ترکیه در سده اخیر به شدت به موازین و نرم‌های سیاسی و حکومت در غرب وابسته است و هرگونه تغییری در آن بدون تردید در کوتاه‌مدت ناممکن و هرگونه برنامه‌ریزی برخلاف روند سنتی با واکنش هزینه‌ساز متحدین ناتو ترکیه و به ویژه آمریکا مواجه خواهد شد. وابستگی و پیوستگی ساختاری ترکیه به جهان غرب در کنار عدم تمایل آمریکا و اتحادیه اروپا به از دست دادن موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ترکیه تحقق مسالمت-آمیز سناریوی دوری از غرب و نزدیکی به محور شرق را بعید می‌نمایاند؛ مسئله‌ای که با توجه به جایگاه ترکیه می‌تواند به برهم خوردن نظام غالب بین‌المللی و زیر-سیستم‌های منطقه‌ای در غرب آسیا و شرق مدیترانه منجر شود.

ترکیه در محیط همسایگی و غرب آسیا با چالش‌های جدی پیشروی کردها در شمال سوریه تحولات میدانی سوریه و به ویژه تحولات جاری حلب عراق و فشار دول مرکزی و آمریکا برای خروج نیروهای نظامی ارتش ترکیه از منطقه البعثیه مواجه است. با توجه به ضعف نهادی و کمی ارتش، بدون تردید این تحولات موجب کاهش ظرفیت‌های ترکیه در چگونگی مواجهه با چالش‌های تروریستی داعش و تضعیف قابلیت‌های آن در ائتلاف بین‌المللی علیه داعش خواهد شد. کودتا در ترکیه همچنین روی بحران‌های جاری منطقه‌ای از جمله سوریه بحران فراگیر کردی پیشروی یا

از اینرو دو فرضیه برای ترکیه بعد از کودتا قابل ذکر است؛ اردوغان قدرتمند و اردوغان ضعیف. در چنین شرایطی که دولت اردوغان شروع به پاکسازی نهادهای سیاسی، نظامی، قضایی و امنیتی از عناصر جماعت گولن و نیروهای غیرقابل اعتماد کرده است بنظر می‌رسد در صورت عدم ایجاد موانع عملیاتی خاص از سوی غرب اردوغان به تحکیم و پیشینه-سازی نفوذ و قدرت خود در صحنه سیاسی و مدنی ترکیه خواهد پرداخت. این فرضیه به شخصی شدن قدرت و روندهای سیاسی در ترکیه منجر خواهد شد. البته تحقق یا عدم تحقق شکل‌گیری یک دولت اقتدارگرا در ترکیه به ویژه با توجه به وضع فوق‌العاده‌ای که اعلام شده است به الگوی عمل احزاب اپوزیسیون، سطوح بالای ارتش و برنامه-های اقدامی کوتاه‌مدت آمریکا در مهمترین متحد استراتژیک خود در خاورمیانه بستگی دارد. با وجود این به نظر می‌رسد که بی‌ثباتی در کوتاه‌مدت وجود خواهد داشت و تحولات جاری در ترکیه نیز به این بی‌ثباتی ساختاری عمق خواهد بخشید؛ تعمیق شدن بی‌ثباتی بدین معنا که هرگونه پیوند و اتصالات سنتی با غرب حداقل در کوتاه مدت تضعیف خواهد شد اما تحولات به سمتی می‌رود که دولت همانند قبل از کودتای ۱۵ جولای فرمول‌بندی خواهد شد.

مسئله دیگر در ترکیه بعد از کودتا به تغییر یا عدم تغییر در جهت‌گیری‌های کلان ترکیه و به ویژه موضوع نزدیکی به روسیه و پیامدهای استراتژیک آن برای ناتو و غرب مربوط می‌شود. با وجود انتقادات اساسی اردوغان از طرف آمریکایی در استرداد فتح‌اله گولن، ترس روانی وی از احتمال براندازی دولت اعتدال و توسعه توسط نیروهای

صورت تحول با توجه به جایگاه ژئواستراتژیکی ترکیه در ساختار موجود نظام بین‌الملل شاهد گذار در نظم منطقه‌ای و ساختار نظام بین‌الملل خواهیم بود. یکی از مسائل جدی آینده ناتو و حضور یا عدم حضور ترکیه در این اتحادیه نظامی است که اگر عضویت ترکیه در این نهاد دچار مشکل شود ناتو باید به بازسازی خود در اروپای شرقی و شرق مدیترانه بپردازد. با وقوع کودتا و ضعف نهادی دولت ترکیه ابهام در آینده بحران پناهجویان و استفاده از قابلیت‌های ژئوپلیتیکی ترکیه در حل و فصل آن به یکی از دغدغه‌های امنیتی و اجتماعی اتحادیه اروپا تبدیل شده است و برنامه‌های پیشنهادی آنها به حال تعلیق درآمده است. سیاست و حکومت در ترکیه از یک نقطه جدا شده و اینکه به کدام سمت در حال حرکت است هنوز معلوم نیست اما با عنایت به نقش تاریخی و راهبردی ترکیه و جایگاه آن در ساختار جهان غرب تغییر در جهت‌گیری‌های کلان از سوی نخبگان اسلام‌گرای ترکیه براحتی امکان‌پذیر نخواهد بود و باید آماده هرگونه سناریویی حتی ترکیه بدون اردوغان نیز بود (گل‌محمدی، ۱۳۹۵: ۱۶).

نتیجه‌گیری

ایران و ترکیه دو بازیگر قدرتمند در منطقه پیرامونی خود محسوب می‌شوند که هرکدام اهداف مشخصی را دنبال می‌کنند. ترکیه در تلاش است تا جایگاه بهتری نسبت به گذشته در تحولات خاورمیانه به دست آورد و نقش مؤثرتری در بحران‌های آن ایفا کند. جمهوری اسلامی ایران نیز اهداف مشخصی را در منطقه دنبال می‌کند که بسیاری از آنها با اهداف ترکیه هماهنگ و هم‌جهت هستند. ترکیه

پسروی جریان‌های تکفیری در عراق و سوریه و تحولات داخلی عراق و بحران پناهجویان تأثیر خواهد داشت. به عبارتی دیگر خلاء قدرت به وجود آمده در کانون‌های بحران حضور ترکیه معادلات کانون‌های بحران منطقه‌ای را تغییر خواهد داد. مسئله دیگر به آینده الگوی ائتلاف‌سازی ترکیه به ویژه با عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی بر - می‌گردد؛ ترک‌ها با توجه به بحران‌های داخلی و منطقه‌ای که با آن مواجه هستند به تغییر الگوهای ائتلاف‌سازی خرد و کلان خود دست خواهند زد. بنظر می‌رسد که الگوی ائتلاف‌سازی ترک‌ها به آینده رابطه ترکیه با روسیه و آمریکا بستگی خواهد داشت؛ اینکه دوری با نزدیکی استراتژیک به غرب، آینده روابط با سعودی‌ها سوریه عراق، ایران و روسیه را تعیین خواهد کرد.

چشم‌انداز حضور ترکیه در ناتو، باز تعریف روابط استراتژیک ترکیه با آمریکا و متحدین ناتو، نگرانی اتحادیه اروپا نسبت به چگونگی حل و فصل مسئله پناهجویان و نزدیکی به شرق و گذار در نظم زیرسیستم خاورمیانه و شرق مدیترانه از مهمترین پیامدهای بین‌المللی ترکیه بعد از کودتا محسوب می‌شود. روابط ترکیه و آمریکا با توجه به مسئله استرداد فتح‌اله گولن و انتقادات داخلی شدید از نیروهای آمریکایی در حمایت از کودتاچیان سیر تنش‌آمیزی را طی می‌کند. نقش ترکیه و روابط استراتژیک آن با آمریکا یکی از بنیادی‌ترین ساختارهایی بوده است که در دریای سیاه خاورمیانه و معادلات منطقه‌ای عمل می‌کرده است. اگر دچار اختلال شود نقش آمریکا در خاورمیانه تعاریف جدیدی به خود خواهد گرفت و هرچند سناریوی تغییر به سمت شرق از سوی ترکیه بعید به نظر می‌رسد اما در



های گذشته به دلیل برخی سیاست‌های غلط، آماده همکاری بیشتر با ایران نبوده است.

شکست کودتا و خصوصاً واکنش مناسب کشورمان در ساعات اولیه، فرصت‌های جدیدی را پیش روی روابط دوجانبه با ترکیه قرار داده و قطعاً در آینده روابط دو کشور ارتقا پیدا خواهد کرد. کودتا و شکست آن، موجب بازتر شدن چشم مقامات ترکیه به حقایق و وقایع پیرامونی و نقش آمریکا در تحولات منفی منطقه شده و سیاست ترکیه را به سمت همکاری و تعامل بیشتر با همسایگان سوق خواهد داد.

شکست کودتا در ترکیه، دستان پشت پرده در پس تحولات ترکیه و منطقه را نمایان کرد و موجب نزدیک‌تر شدن مواضع اردوغان به جمهوری اسلامی ایران در بحث سوریه و حرکت به سمت کاهش بحران در سوریه خواهد شد. این کودتای نافرجام، موجب احتیاط بیشتر ترکیه در قبال مواضع آمریکا، عربستان و قطر در قبال تحولات سوریه و ایجاد موج ایران‌هراسی شد. این کودتا بحران سوریه را به سمت کاهش تنش پیش برده و اوضاع را بر داعش در عراق و سوریه تنگ‌تر نمود. این کودتا همچنین به نقش فعال‌تر ترکیه برای تعدیل سیاست‌های سعودی در راستای مقابله با ایران در منطقه منجر شد.

اما در مجموع و با توجه به پیامدهای استراتژیک حاصل از کودتای نافرجام ترکیه مسئله اصلی بحران ترکیه برآمدن استراتژیک ایران خواهد بود؛ اینکه این مسئله به لحاظ راهبردی چه معنایی در کوتاه مدت و بلندمدت می‌تواند برای رقابت و حضور استراتژیک ایران در منطقه داشته باشد بسیار مهم است. گشایش استراتژیک برای ایران پیرو این

امروز شدیداً به دنبال افزایش نقش در مناسبات منطقه‌ای و به تبع آن بین‌المللی است و با این اصل در پی کاهش آسیب‌پذیری استراتژیک خود نیز هست. در حال حاضر استراتژیست‌های ترک علاوه بر نادیده نگرفتن مزیت حفظ روابط با غرب، به صورت جدی روی خاورمیانه و اورآسیا نیز تمرکز کرده‌اند. عوامل گوناگونی مانند، فشارهای بین‌المللی بر ایران، تحولات عراق، موضع‌گیری‌های اردوغان علیه اسرائیل و کاهش روابط سیاسی آنکارا تل‌آویو، سرمایه‌گذاری شرکت‌های ترکیه‌ای در ایران و فهم مشترک از امنیت در خاورمیانه در گسترش روابط سیاسی دو کشور مؤثر بوده است. ولی با این وجود روابط امنیتی میان ایران و ترکیه بخش ناچیزی از روابط را به خود اختصاص می‌دهد. گرچه حجم کمی از روابط دو کشور به روابط امنیتی اختصاص دارد، اما اهمیت این روابط بسیار بالاست. در هم‌تنیدگی برخی تهدیدات امنیتی دو کشور مثل تروریسم، لزوم بازبینی در سطح روابط امنیتی دو کشور را گوشزد می‌نماید.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال ترکیه و تحولات آن همواره مبتنی بر اصول حسن همجواری و احترام بوده؛ و به همین دلیل، مقامات کشورمان ضمن پیگیری و رصد دقیق تحولات کودتای ترکیه، مواضع متقن و دقیقی را در قبال این تحولات اتخاذ کردند. گرچه برخی تحلیلگران، در ساعات اولیه کودتا، سقوط اردوغان را موجب از دست رفتن فرصت همکاری با ترکیه دانستند، اما واقعیت آن است که جمهوری اسلامی ایران همواره خواهان رابطه خوب و برادرانه با ترکیه بوده و دست خود را برای همکاری و همراهی دراز نموده و این بیشتر ترکیه بوده که در سال-

البته باتوجه به حضور بازیگران عمده بین‌المللی در منطقه خاورمیانه، نحوه بازی برای بازیگران با قدرت متوسط مانند ترکیه، که می‌خواهند به صورت مستقل اعمال نفوذ نمایند، دشواری‌های خاص خود را داراست، که البته اغلب نیازمند موضع‌گیری درخصوص مسائل پیچیده و فوری است. به واسطه پیچیدگی تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، با اتکاء بر اصول اخلاقی صرف، ارائه یک سیاست خارجی منسجم مشکل می‌نماید، که نمی‌تواند از سوی تصمیم‌گیران سیاست خارجی ترکیه نادیده گرفته شود.

این شرایط در زمان موجود نتیجه داده است و ایران‌هراسی که در سال ۲۰۰۴ در دستور کار قدرت‌های خارج از منطقه و کشورهای منطقه قرار داشت به شدت دچار زوال شده است، زیرا ایرانی‌ها با زبان دیپلماسی مشکلات خود را حل می‌کنند. ادبیات وزارت خارجه ادبیات خوبی است ولی کارشناسان وزرات خارجه برای به حداقل رساندن اختلافات با کشورهای منطقه لازم است تلاش بیشتری کنند. هرگاه اختلافات موجود بین ایران و کشورهای منطقه حل شود آنگاه برخی از کشورهایی که موضع تند علیه ایران دارند مجبورند براساس فضایی که شکل گرفته مواضع خود را براساس مواضع ایران تعدیل کنند. البته برخی از بازیگران در قالب دیپلماسی نمی‌گنجند چون جمهوری اسلامی ایران آنها را به رسمیت نمی‌شناسد، مانند رژیم صهیونیستی که دیگر از فضای مانور برخوردار نیست. ایران نیازمند تنش‌زدایی در منطقه، روابط دوجانبه و در عرصه جهانی است. کار بزرگی در عرصه جهانی در موضوع هسته‌ای صورت گرفته است. کار دوم در روابط دوجانبه باید شکل بگیرد و ایران در روابط دوجانبه باید به سمت

کودتا با چهار مسئله اساسی ارتباط مستقیم دارد: ۱- تزلزل رقیب استراتژیک و کم شدن بار موازنه‌سازی در برابر آن؛ ۲- اختلال هرچند موقتی در ائتلاف‌سازی با عربستان سعودی و اسرائیل در صورت ناکارآمدی گشایش استراتژیک برای ایران محسوب می‌شود؛ ۳- رابطه ترکیه با کانون‌های بحران در منطقه از جمله سوریه، عراق و لبنان می‌تواند فرصت‌هایی را پدید بیاورد؛ ۴- مسئله آخر بحث روانی کودتا و بحران جاری ترکیه است؛ ائتلاف‌سازی سعودی-ترکی و صهیونیستی برای محدودسازی ایران و شکست آن به لحاظ روانی تأثیر منفی بر جبهه مقابل و تأثیر مثبتی بر جبهه حامی مقاومت خواهد داشت. مضافاً بر این ابزارهای نظامی این استراتژی ترکیه نیز با اختلال روبرو شده است. زمانی که ادبیات تند در سیاست خارجی حکمفرما شود و بر استفاده از الفاظ کار کارشناسی صورت نگیرد طبیعتاً نوعی دشمنی علیه جمهوری اسلامی ایران شکل خواهد گرفت. در سیاست خارجی کشورهایی مانند جمهوری اسلامی ایران که دارای قابلیت‌های منطقه‌ای و جهانی بسیاری هستند ممکن است دشمنانی داشته باشند و این امر کاملاً طبیعی است. اما کاربرد الفاظ سیاسی دیپلماتیک نباید به گونه‌ای باشد که حوزه گسترده‌ای را تعریف کند و امکان سوءاستفاده را فراهم کند.

ایران در طول دو سال اخیر سعی کرده به دیپلماسی خود نظم بخشیده و الفاظ دیپلماتیک را به صورت کارشناسی در مناسبات با دنیا به کار گیرد و تلاش کند تا بخشی از مشکلات را از طریق مذاکره حل و فصل کند. اوج این مذاکرات، مذاکرات هسته‌ای بود که نشان می‌دهد ایرانی‌ها با حسن نیت به سمت رفع اختلاف پیش خواهند رفت.



مناسبات دوجانبه و یا چندجانبه، گسترش حوزه نفوذ و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کشورهای منطقه و خاورمیانه را به همراه خواهد داشت.

با توجه به اینکه در زمان حاضر روابط ایران و ترکیه بسیار تحت تأثیر تحولات منطقه قرار دارد، پژوهش‌های بیشتری باید در این زمینه صورت پذیرد. ترکیه از جمله بازیگرانی است که نقش پررنگی در تحولات اخیر منطقه داشته است.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- ازغندی(الف)، علیرضا (۱۳۸۲)، «بررسی روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه: چالش‌ها و فرصت‌ها»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ش ۵.
- ۲- ازغندی(ب)، علیرضا (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر قومس.
- ۳- بلیک، ژانت و محمدرضا گلشن‌پژوه (۱۳۸۹)، «قدرت نرم و تهدید نرم، پیشنهادی در راستای سیاست‌سازی»، فصلنامه راهبرد، س ۱۹، ش ۵۹.
- ۴- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۷)، نظریه‌های پست مدرنیستی درباره انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۵- جمشیدی(الف)، محمد (۱۳۸۶)، نظام‌های بین‌المللی تک قدرت‌محور: تک‌قطبی هژمونی امپراتوری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۶- جمشیدی(ب)، محمد حسین (۱۳۹۱)، «جمهوری اسلامی ایران و عراق نوین: تبیینی بر کاربرد قدرت نرم در عراق نوین در راستای تحقق ارزش‌های انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، س ۱، ش ۴.

تنش‌زدایی و بهبود روابط پیش رود. بعد از آن تنش‌زدایی منطقه‌ای راحت‌تر صورت خواهد گرفت. به عبارت بهتر ما اگر بخواهیم اولویت‌بندی کنیم اول، تنش‌زدایی بین‌المللی و دوم تنش‌زدایی در عرصه روابط دوجانبه است که در این مرحله ایران باید با تک‌تک کشورها اختلافات خود را حل کند. درگام سوم یک سری راهبردها به وجود آمده است که در این دو سطح ایران باید به درستی عمل کند. در این سطح نیز تعدیل شرایط را مشاهده خواهیم کرد که اینک در حال حاضر نیز بین دو راهبرد ایران و ترکیه تنش گذشته جای خود را به تعامل و همراهی‌های منطقه‌ای داده و این علامت خوبی برای پیشبرد سیاست‌های ایران است.

پیشنهادات

ایران با مسائل هویتی و منابع فرهنگی کشورهای منطقه و خاورمیانه وجود دارد در این میان، ایران با اصول، ارزش‌ها و ایستارهای فرهنگی خود بیشترین تلاش را برای افزایش قدرت نرم در میان کشورهای منطقه داشته است. وجود ویژگی‌های مهم فرهنگی و دینی باعث شده است کسانی را فراتر از مرزهای جهان اسلام به خود جذب کند. چنانچه پیداست، خاورمیانه و کشورهای منطقه، گستره نفوذ فرهنگ و تمدن ایران بوده و هست و چنانچه با درایت و سازماندهی بیشتری این نکته در معادلات سیاسی و دیپلماتیک لحاظ گردد، شاهد روابط فرهنگی و سیاسی بسیار نزدیکی با همسایگان خویش خواهد بود. توجه به ریشه‌های تاریخی، ملی و فرهنگی ایران در منطقه در کنار تشابهات مذهبی به عنوان معیار ایجاد رابطه حسنه با کشورهای منطقه و خاورمیانه و استفاده صحیح و بهینه از قابلیت‌های مذهبی، فرهنگی، تاریخی و اجتماعی در

- 4- Djerejian, Edward (2007). War and Peace: The Problems and Prospects of American Diplomacy in the East. *Los Angeles World Affairs Council*.
- 5-Gundogan, Unal (2003). Islamist Iran and Turkey, 1979-1989: State Pragmatism and Ideological Influences. *Middle East Review of International Affairs*.
- 6-Guzansky, Yoel and Gallia, Lindenstrauss (2011). Turkey and Iran: The Politics of Strange Bedfellows. *Strategic Assessment*.
- 7-Narli, Nilufer (1993). Cooperation or Competition in the Islamic World, Turkish-Iranian relations from the Islamic Revolution to the Gulf war and after. Available at: <http://www.cerisciencespo.com/publica/cemoti/textes15/narli.pdf>.
- 8- Taverner, Angus (2010). *The military use of soft power information campaigns, soft power and us foreign policy*. Edited by inderjeetparmer and Michael cox. New York: Routledge.
- 9- Yeşilyurt, Nuri and Atay, Akdevelioglu (2009). Turkey's Middle East Policy under the JDP Rule. *The Turkish Yearbook of International Relations*.
- ۷- خسروی، محمدعلی و میراشرفی، سید نوراله (۱۳۹۳)، «قدرت نرم و جایگاه آن در امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره ۷، ش ۲۶.
- ۸- رایب، رابین (۱۳۷۲)، شیعیان؛ مبارزان راه خدا، مترجم: علی اندیشه، تهران: نشر قدس.
- ۹- سمیعی‌اصفهانی، علیرضا و فتحی عبدالرضا (۱۳۹۲)، «بررسی تأثیر مولفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر جنبش‌های بیداری اسلامی خاورمیانه (با تأکید بر رویکرد سازه‌انگارانه)»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، س ۱، ش ۱.
- ۱۰- شهرام‌نیا، سیدامیر و دیگران (۱۳۹۱)، «واکاوی مفهوم قدرت نرم و راهکارهای ایران در قبال آن»، مجله دانش سیاسی و بین‌الملل، س ۱، ش ۳.
- ۱۱- صدیق بطحایی‌اصل، میرابراهیم (۱۳۹۱)، «نقش و تأثیر حزب عدالت و توسعه در گسترش روابط ایران و ترکیه»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ش ۱۹.
- ۱۲- گل‌محمدی، ولی (۱۳۹۵)، «کودتای نافرجام ترکیه: پیامدهای راهبردی و چشم‌انداز»، فصلنامه روابط خارجی، س ۸، ش ۲.
- ۱۳- گوکهان چتین، سایا (۱۳۸۵)، «ریشه‌های تاریخی روابط ایران و ترکیه»، مترجم: اسداله اطهری، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، س ۱۳، ش ۲.

لاتین:

- 1- Akram, Sarah and Others (2010). Available at: http://www.issi.org.pk/publication/files/1299570697_30995832.pdf - Aras, Op.cit.
- 2-Aras, Bülent (2008). From Conflict to Cooperation: Desecuritization of Turkey's Relations with Syria and Iran. *Security Dialogue*.
- 3- Aydin, Can and Öğretim (2011). Atatürk Dönemi Türk-İran İlişkileri. Mevcut In: http://turkoloji.cu.edu.tr/ATATURK/arastirmalar/aydin_can_ataturk_donemi_turk_iran_iliskileri.pdf.